

درباره ی آینده ی ارتش های هیتلر

سربازان هیتلر، کارگران و دهقانان آلمان هستند^۱. به دنبال خیانت سوسیال دموکراسی و کمینترن، توده های وسیعی از همین کارگران و دهقانان وارد فضای مسموم شووینیزم پس از پیروزی های بی سابقه شدند. اما واقعیت مناسبات طبقاتی، نیرومندتر از سرمستی شووینیستی است.

ارتش های اشغالگر باید شانه به شانه ی مردمان مغلوب زندگی کنند؛ آن ها باید فقر و استیصال توده های زحمتکش را نظاره کنند؛ باید تلاش های این توده ها به مقاومت و اعتراض را که نخست بی صدا و سپس آشکارتر و بی باک تر بود، ببینند.

به علاوه کاست نظامی و بوروکراتیک آلمان، پس از یک سلسله پیروزی و غارت در اروپا، به مراتب بیش از قبل خود را مافوق مردم قرار خواهد گرفت، قدرت و امتیازات خود را هر چه بیش تر خواهد گسترد، و مانند هر کاست دیگری از نوکیسگان، روحیه اش را از دست خواهد داد.

سربازان آلمان، یعنی کارگران و دهقانان، در اکثریت موارد حس همدردی بیش تری با مردمان مغلوب دارند تا با کاست حاکم خود^۲. ضرورت مداخله در هر گام به عنوان هم «مصلح» و هم ستمگر، به سرعت ارتش های اشغالگر را مضمحل و آن ها را به روحیه ی انقلابی مبتلا خواهد کرد.

لئون تروتسکی

ترجمه: آرام نوبخت

منبع: آرشیو مارکسیست ها در اینترنت

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتاب خانه: <http://www.nashr.de>

تاریخ بازنویسی: ۱۳۹۴

^۱ - در طول جنگ جهانی دوم، این حقیقت اولیه به دقت از سوی دولت های متخاصم پنهان شد. ما با فورمولی آشنا هستیم که می گوید «آلمانی خوب»، کسی است که مُرده باشد؛ این فورمول، چشم پوشی تام و تمام از «انترناسیونالیزم پرولتری» است.

^۲ - این اساس ایده ی مخالفین تروریسم فردی در منطقه ی تحت اشغال، یعنی حملات پارتیزان ها به سربازان عادی ارتش آلمان، بود.